

Components of Compiling Public Policies in Islamic State With the approach of modern Islamic civilization (With the focus on the statements of the Supreme Leader)

Davoud Hoseinpour*

Fattah Sharif zadeh**

Vajhollah Ghorbanizadeh***

Yousef Zal****

Received: 2020/03/09

Accepted: 2020/06/17


Abstract

Public policies are decisions made by the policy system in the form of policy steps to solve public issues. The process of policy making is in three areas Compiling, implementation and evaluation, The role of Compiling is prominent. Now that we are in the third step of the five steps of the modern Islamic civilization, the Islamic State, The necessity of understanding the components of public policy Compiling in Islamic State, It is important as a step towards the realization of Islamic society and ultimately of modern Islamic civilization. Therefore, the purpose of this study is to evaluate the components of Compiling public policies in Islamic State with the approach of modern Islamic civilization. The research method, qualitative content analysis, library study and document review Through research related to the title of the research, is the official site of the Supreme Leader. The findings show that the dimensions of the components of public policy Compiling in Islamic State depend on factors such as information, knowledge and insight. The general conclusion is that, the general policies should be formulated in such a way Where the values and norms of society, the interests and interests of the general public, the determinants of boundaries, the flexibility and the future, Consider ethics, transparency and clarity, adaptability, comprehensibility and issues and problems of the general public, With the passage of Islamic State and the realization of Islamic society, the ground for the creation of a new Islamic civilization will be realized.

Keywords: Compilation of public policy, Civilization, Modern Islamic Civilization, Islamic Society, Islamic State, The Civilization Approach.


** Associat Professor of Public Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
(Corresponding Author)

Hosseinpour@atu.ac.ir

 0000-0001-6286-4726


** Professor of Public Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Sharifzadeh_f@atu.ac.ir

 0000-0002-8366-5176


*** Associat Professor of Public Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Ghorbanizadeh@atu.ac.ir

 0000-0001-7621-7597

**** Ph.D. Student of Public Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Yousefzal57@gmail.com

 0000-0003-4827-7802

مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی (با محوریت بیانات مقام معظم رهبری)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۸

داود حسین‌پور*

فتاح شریف‌زاده**

وجه‌الله قربانی‌زاده***

یوسف زال****


چکیده

خط‌مشی‌های عمومی، تصمیماتی هستند که نظام خط‌مشی‌گذاری در قالب مراحل خط‌مشی‌گذاری و برای حل مسائل عمومی اتخاذ می‌کند. فرآیند خط‌مشی‌گذاری در سه حوزه تدوین، اجرا و ارزشیابی می‌باشد، که نقش تدوین در آن برجسته است. اکنون که در گام سوم از گام‌های پنج‌گانه تمدن نوین اسلامی، یعنی دولت اسلامی قرار داریم، ضرورت شناخت مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی، به‌عنوان گامی در جهت تحقق جامعه اسلامی و نهایتاً تمدن نوین اسلامی حائز اهمیت است. لذا هدف از این پژوهش، ارزیابی مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌باشد. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی، با مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک از طریق جستارهای مرتبط با عنوان پژوهش، از سایت رسمی مقام معظم رهبری می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ابعاد مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی به عواملی چون اطلاعات، دانش و بصیرت بستگی دارد. نتیجه‌گیری کلی اشاره به آن دارد که، خط‌مشی‌های عمومی بایستی طوری تدوین شود که در آن به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، منافع و مصلحت عامه مردم، عوامل تعیین‌کننده حد و مرزها، انعطاف و آینده‌نگری، اخلاق‌مداری، شفافیت و روشنی، قابلیت انطباق، قابل فهم بودن و مسائل و مشکلات عموم مردم توجه گردد، تا با گذر از دولت اسلامی و تحقق جامعه اسلامی، زمینه ایجاد تمدن نوین اسلامی محقق گردد.

واژگان کلیدی: تدوین خط‌مشی عمومی، تمدن‌سازی، تمدن نوین اسلامی، جامعه اسلامی، دولت اسلامی، رویکرد تمدنی.


*دانشیار مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران، (نویسنده مسئول).

Hosseinpour@atu.ac.ir

 0000-0001-6286-4726


**استاد مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

Sharifzadeh_f@atu.ac.ir

 0000-0002-8366-5176


***دانشیار مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

Ghorbanizadeh@atu.ac.ir

 0000-0001-7621-7597

****دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

Yousefzal57@gmail.com

 0000-0003-4827-7802

مقدمه (بیان مسئله)

با ظهور اسلام و گسترش ابعاد و ویژگی‌های تمدن عظیم اسلامی، و با هجرت پیامبر عظیم‌الشان اسلام به مدینه، اهمیت و ضرورت تأسیس حکومت و تشکیل دولت اسلامی بیش از پیش نمایان گشت. پیامبر اسلام (ص) با وجود شرایط سخت ناشی از اذیت و آزار مشرکان قریش، که نهایتاً منجر به هجرت تحمیلی حضرت و پیروانشان از مکه به مدینه گشت، تشکیل دولت اسلامی و دخالت در تمامی امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی، فرهنگی، نظامی و ... را به‌عنوان مهم‌ترین هدف رسالت جهانی خود برگزیدند. آیت‌الله مصباح یزدی (ره) معتقدند که «جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست در این که اسلام وجود حکومت را برای امت اسلامی ضروری می‌داند. احتمال این‌که این دین، ضرورت وجود حکومت را نفی کند یا حتی درباره این مسئله ساکت باشد، به کلی منتفی است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۱). در واقع، تأسیس حکومت و تشکیل دولت اسلامی در یک نظام اسلامی، زمینه‌سازی برای "زندگی اجتماعی" (Social life) در یک جامعه اسلامی را فراهم می‌کند. آیت‌الله مصباح یزدی هم چنین معتقدند که «زندگی اجتماعی برای انسان ضرورت دارد و هدف از آفرینش انسان در صورتی تحقق می‌یابد که انسان‌ها زندگی اجتماعی داشته باشند و با یکدیگر همکاری کنند؛ و از همدیگر بهره گیرند» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۷). آیت‌الله جعفر سبحانی ضمن رد نظریاتی که بر موقتی بودن نیاز به حکومت ابراز شده است از قبیل نظریات "مارکس" (Marx)؛ با تأکید بر نیاز دائمی جوامع به وجود حکومت، «حفظ نظام اجتماعی و تمدن انسانی»، «آشنا کردن افراد به حقوق و وظایف»، «رفع هر نوع اختلاف و نزاع در جامعه» و «نظم در اجتماع به عنوان پایه تمدن» را به‌عنوان دلایلی برای ضرورت وجود حکومت بیان می‌کنند (آیت‌الله سبحانی، ۱۳۹۰).

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، پنج گام اساسی برای نیل به تمدن نوین اسلامی ذکر فرموده، و اشاره کرده‌اند «خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹). هم‌چنین، تمدن‌سازی نوین اسلامی را به عنوان هدف انقلاب اسلامی معرفی کرده، و می‌فرمایند: «هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی

است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱). این روند با انقراض رژیم ستم‌شاهی پهلوی و با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز، و با استقرار قوای سه‌گانه و تأسیس نظام اسلامی شکل گرفته، و در حال حاضر در گام سوم آن، یعنی تشکیل دولت اسلامی قرار دارد. برای عبور از گام سوم و پا نهادن در گام چهارم یعنی ایجاد کشور و جامعه‌ی اسلامی و نهایتاً نیل و رویکرد به تمدن نوین اسلامی، بایستی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد دولت اسلامی، در زمینه‌های متنوعی شکل و سامان بگیرد. از جمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوع در این زمینه، نقش و تأثیر شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی در شکل‌گیری و ایجاد تدوین خطمشی‌های عمومی می‌باشد. با توجه به پیام مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب، که تحقق آرمان بزرگ انقلاب اسلامی ایران را ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) دانسته، و جوانان کشور را به برداشتن گام‌های اساسی در این مسیر ترغیب نموده‌اند، و به جهت اثرگذاری تدوین خطمشی‌های عمومی در حوزه‌ی اجرا و ارزیابی تشکیلات دولت اسلامی، این موضوع اهمیت داشته، و مسئله اصلی این پژوهش را در برمی‌گیرد.

خطمشی عمومی (Public policy)، عبارت است از تصمیم‌ها و سیاست‌هایی که به وسیله مراجع مختلف بخش عمومی از قبیل مجلس، دولت و قوه‌ی قضائیه که نماینده‌ی حفظ منافع عمومی جامعه می‌باشند، اتخاذ می‌گردد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۳). در حقیقت، تدوین خطمشی‌های عمومی (Public Policy Formulation)، یعنی مدون‌سازی و تصویب قوانین و مقرراتی که منافع عموم جامعه تأمین گردد. لذا، تدوین خطمشی‌های عمومی، بر اساس نقش و تأثیر مؤلفه‌های دولت اسلامی، عاملی برای ایجاد نظم و زمینه‌ی شکل‌گیری جامعه اسلامی می‌باشد. این موضوع، ضرورت تعیین شاخص‌ها و مفاهیم، مقوله‌ها و ابعاد تدوین خطمشی‌های عمومی در دولت اسلامی را می‌رساند تا در ادامه این فرآیند، جامعه اسلامی به تئوری‌سازی و نظریه‌پردازی پرداخته، و زمینه تحقق آرمان بزرگ جامعه اسلامی، یعنی تمدن نوین اسلامی را محقق نماید.

مقاله‌ی پیش رو در نظر دارد نقش و تأثیر شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی، در

شکل‌گیری و ایجاد مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی، با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی را با محوریت بیانات مقام معظم رهبری بررسی نماید؛ موضوعی که ثمرات آن از نقطه‌نظر بدیع و نوآوری متوجه همه سازمان‌ها و نهادهای دولتی در دولت اسلامی، و بالطبع عموم جامعه اسلامی خواهد شد. هدف کلی (اصلی) تحقیق: تعیین و ارزیابی مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی؛ و اهداف جزئی عبارت است از: شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی؛ نقش و تأثیر شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی در شکل‌گیری و ایجاد مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی.

این پژوهش، یک پژوهش کیفی بوده و با روش تحلیل محتوای کیفی با ردیکرد تم (مضمون و موضوع) صورت می‌گیرد. با توجه به ماهیت "اکتشافی" بودن تحقیق، وجود فرضیه الزامی نیست. ولی سؤالات پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

سؤال کلی (اصلی): مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی چه‌گونه می‌باشد؟ و سؤالات فرعی: شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی چیست؟؛ نقش و تأثیر شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی در شکل‌گیری و ایجاد مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی چه‌گونه می‌باشد؟

۱. پیشینه تحقیق

مرور پیشینه‌ی تحقیق روشی واضح، نظام‌مند، قابل تجدید برای شناسایی، ارزیابی و تفسیر مطالب ثبت‌شده توسط پژوهش‌گران، دانشمندان و متخصصان است. در ارتباط با موضوع این پژوهش، مقاله یا پایان‌نامه و یا رساله خاصی که بتوان مطرح نمود که ارتباط ویژه‌ای با آن داشته باشد، وجود ندارد و شاید بتوان گفت ویژگی بارز این پژوهش، جنبه جدید و نو بودن آن می‌باشد. اما در عین حال، برخی از پژوهش‌های انجام گرفته به شرح ذیل می‌باشد:

مجتبی قنبردوست (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان "واکاوی نظریه‌های دولت‌سازی

در تمدن‌های غربی و اسلامی، این‌گونه مطرح می‌نماید که نظریات دولت‌سازی، از آن‌جا که به تبیین دلایلی برای مشروعیت قدرت دولت و توجیهی برای حاکمیت به شمار می‌روند، با نظریات مختلف دولت‌سازی در تاریخ تمدن‌های غرب و اسلام روبه‌رو بوده‌اند. تمدن غرب پس از دوره افول قدرت کلیسا (قرن سیزدهم میلادی)، دوره جدیدی از دولت‌سازی را تجربه کرده است، که مهم‌ترین نظریات آن‌ها در دو محور دولت‌سازی "درون‌زا" و "برون‌گرا" به منصف ظهور رسیده است. در این مقاله به مبانی فکری، نظریه‌ها و تجارب دولت‌سازی در تمدن اسلامی توسط جوامع و مذاهب مختلف اهل سنت و تشیع پرداخته شده است.

سید مجتبی امامی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان "تبیین مؤلفه‌های ظرفیت خط‌مشی‌های انقلاب اسلامی در لایه‌های تمدنی بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری"، خط‌مشی عمومی را یکی از ابزارهای دستیابی به آرمان انقلاب اسلامی، یعنی تمدن نوین اسلامی معرفی می‌کند که باید از توانایی متناسب با این آرمان بزرگ برخوردار باشد. توانایی خط‌مشی‌های عمومی که در علوم خط‌مشی تحت عنوان "ظرفیت خط‌مشی" مطرح می‌شود، برای اثرگذاری باید از مؤلفه‌های تمدنی برخوردار باشد. منبع رجوع برای احصای این مؤلفه‌ها نیز بیانات و اندیشه‌های مقام معظم رهبری هستند که با روش تحلیل داده‌بنیاد انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نظام اسلامی به دلیل برخورداری از ماهیت انقلابی، دارای ویژگی‌هایی است که منجر به تولید مؤلفه‌های تمدنی ارزشمندی در جهت افزایش ظرفیت خط‌مشی‌های عمومی می‌شود. پژوهش‌گر با اشاره به هدف حکومت اسلامی بیان می‌کند: هدف نهایی حکومت اسلامی به‌عنوان جامع‌ترین نهاد اداره بشر، ساختن تمدن اسلامی است؛ تمدنی که در قرن‌های ابتدایی اسلام تا حدودی توانست خود را به منصف ظهور برساند.

نوشین مومن‌کاشانی (۱۳۹۷) در رساله دکترای خود با عنوان "تدوین مدل تمایل خط‌مشی‌گذاران به اقتباس خط‌مشی دولت باز در ایران مبتنی بر چارچوب اشاعه خط‌مشی"، اشاره می‌نماید که بر اساس چارچوب اشاعه خط‌مشی، برخی از خط‌مشی‌ها

توسط خط‌مشی‌گذاران اقتباس می‌شوند. از سوی دیگر «دولت باز» راه‌حلی را برای حل معضلات و چالش‌های مبتلابه حاکمیت؛ از جمله فساد اداری، بی‌اعتمادی شهروندان به دولت، ارتباط اندک میان حاکمیت و مردم و نیز ضعف در همکاری و تعامل بین اجزای حاکمیت یا نظام اداری ارائه می‌کند. موضوع "اشاعه خط‌مشی" از یک سو، و "دولت باز" از سوی دیگر، حلقه مفقوده ادبیات خط‌مشی عمومی است که از تیررس نظری اندیشمندان خط‌مشی عمومی در ایران به دور مانده است. در این پژوهش از طرح تحقیق آمیخته اکتشافی استفاده شده است که در مرحله کیفی با بهره‌گیری از روش فراترکیب، عوامل مؤثر بر تمایل خط‌مشی‌گذاران به اقتباس خط‌مشی در ایران و روابط بین متغیرها شناسایی شده است؛ و سپس در مرحله کمی با انجام پیمایش و تحلیل داده‌های کمی، مدل نهایی ارائه شده است.

حفیظ‌الله اصغری (۱۳۹۶)، در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان "مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی از سنت علوی (ع)"، اشاره می‌کند به مناسب بودن پژوهش، و این‌گونه مطرح می‌کند که این اثر به‌منظور خط‌مشی‌گذاری مناسب با بافت فرهنگی جامعه اسلامی، به تحقیق و بررسی پرداخته است. مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی در سه بخش، شناسایی، تجزیه و تحلیل و انتخاب خط‌مشی از منظر سنت علوی (ع) مورد بررسی قرار گرفته است. پایان‌نامه‌ی حاضر به روش گراندد تئوری انجام شده است. به‌منظور دستیابی به یک جمع‌بندی روشن و مشخص، منبع این تحقیق محدود به نهج‌البلاغه می‌باشد.

با بررسی پیشینه پژوهش، می‌توان این‌چنین جمع‌بندی نمود که، برخی از پژوهش‌های پیشین، مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی را در نظام اسلامی استخراج کرده‌اند؛ ولی پژوهش خاصی برای استخراج شاخص‌ها و مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با محوریت بیانات مقام معظم رهبری انجام نگرفته است. لذا، از آن‌جا که، نظریه‌پرداز اصلی تمدن نوین اسلامی و ارائه‌دهنده شاخص‌ها و ابعاد گام‌های اساسی تحقق آن، مقام معظم رهبری می‌باشند، استخراج مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی، با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی و با محوریت فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای

(حفظه‌الله)، امری بدیع و نو برای این پژوهش می‌باشد که آن‌را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند.

۲. مبانی نظری پژوهش

تدوین: تدوین یعنی مدون‌سازی، تألیف، تصویب، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری. مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند (الوانی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۸). لذا در کشور ما، قوهی مقننه، نقش مهمی را در خط‌مشی‌گذاری عمومی بر عهده دارد و از طریق رأی نمایندگان، لوایح و طرح‌های پیشنهادی را مورد بررسی و تصویب قرار داده و به صورت قانون در می‌آورد.

خط‌مشی‌های عمومی: خط‌مشی، در فرهنگ معین، خط سیر و راهی است که انسان پیش رو دارد؛ و برای رسیدن به اهداف خود باید این مسیر را بپیماید. خط‌مشی از ریشه سیاست است؛ و بهترین تعریفی که از آن ارائه شده، تخصیص مقتدرانه ارزش‌هاست. خود ارزش هم همان جهت‌گیری‌های فکری پایاست که مبنای رفتار قرار می‌گیرد (قلی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۹۶). دانایی‌فرد، اقدام‌های هدفمند دولت را خط‌مشی می‌داند و اشاره می‌کند: خط‌مشی (سیاست) اشاره به مجموعه اقدام‌های به نسبت پایدار و هدفمند دولت‌ها، برای حل یک مسئلهی عمومی دارد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸). الوانی، خط‌مشی عمومی را تجلی قوانین و مقررات دانسته و اشاره می‌کند: خط‌مشی عمومی، تبلور خواسته‌ها و انتظارات بخش عمومی است که در فرآیند تصمیم‌گیری عمومی به صورت قوانین و مقررات تجلی می‌کنند (الوانی، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

تدوین خط‌مشی عمومی: تعریف‌های مفهومی متعددی از سیاست‌گذاری عمومی و تدوین خط‌مشی‌های عمومی از نقطه‌نظرات متخصصان بیان شده است؛ کوکران (Cochrane)، سیاست‌گذاری عمومی را فعالیت‌های حکومت و مقاصد برانگیزانندهی این فعالیت‌ها تعریف می‌کند (Birkland, 2001, p21). در حقیقت، تدوین خط‌مشی عمومی یک عمل فرآیندی با مراحل مختلفی می‌باشد که برای خط‌مشی‌گذاری پیشنهاد می‌گردد. عمومی‌ترین مراحل پیشنهادی، مدل سه مرحله‌ای شامل تدوین، اجرا و ارزیابی است. معنی

ساده‌ی تدوین خط‌مشی عمومی، طراحی‌کردن نسخه‌ی واحدی برای برطرف‌کردن بعضی نیازها، یا اقدام برای رفع یک مسئله یا مشکل می‌باشد (الوانی؛ شریف‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۸۱). دولت (Government): واژه دولت معنای وسیعی دارد که از وضع قوانین و ایجاد نظم در جامعه آغاز و به تأمین حداقل رفاه و آسایش عموم جامعه منتج می‌گردد. در حقیقت، مهم‌ترین وجه حاکمیت دولت، وضع و اجرای قوانین در جامعه است. قدرت، منبع مورد استفاده دولت است. مفهوم "دولت" در علوم سیاسی دارای تعاریف متعددی بوده، و از نقطه‌نظرهای مختلفی تعریف و تبیین شده است؛ ولی به‌نظر می‌رسد فصل مشترک آن‌ها در سه وجه قابل تبیین است: نخست، دولت مجموعه‌ای از نهادهاست؛ دوم، این نهادها در مرکز سرزمین جغرافیایی معینی قرار می‌گیرند که معمولاً آن‌را جامعه می‌نامند؛ و سوم، دولت انحصار قانون‌گذاری در داخل سرزمین خویش را در اختیار دارد (Autvit and Batamur, 2012, p447-448).

دولت اسلامی (Islamic State): تشکیل دولت اسلامی، گام سوم تحقق تمدن نوین اسلامی است. دولت اسلامی، دولتی دینی است که ارزش‌ها و اصول خود را از دین اسلام می‌گیرد ... معیار دینی بودن یک دولت نیز استناد به دین و پذیرش مرجعیت دین در زندگی سیاسی است. دولت‌های دینی عموماً دولت‌هایی هستند که به درجات مختلف در هستی دولت، مکانیسم عمل و غایات دولت به آموزه‌های دین استناد می‌کنند (فیرحی، ۱۳۹۲، صص ۲۰-۲۱). از نقطه‌نظر امام خامنه‌ای واژه‌ی "دولت" گستردگی بالایی داشته و فقط شامل قوه‌ی مجریه نیست؛ دولت اسلامی به همه‌ی کارگزاران در نظام اسلامی اطلاق می‌گردد: "دولت اسلامی شامل همه‌ی کارگزاران نظام اسلامی است؛ نه فقط قوه‌ی مجریه؛ یعنی حکومت‌گران و خدمت‌گزاران عمومی. این‌ها باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مدّ نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند؛ این می‌شود دولت اسلامی" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴).

تمدن: تمدن در زبان لاتین (Civilization) و در عربی به معنای "حضاره"؛ و در لغت "شهرنشینی" و از ریشه مدینه و مدنیت گرفته شده، و به عبارت دیگر متخلق شدن به شهرنشینی یا خوی و خصلت شهرنشینی به خود گرفتن می‌باشد (Borlo, 2007). میرباقری، تمدن را ابزاری اجتماعی دانسته و معتقد است: «تمدن‌ها در اصل، ساختارها و امکانات و ابزارهایی اجتماعی هستند که یک یا چند جامعه، آن‌ها را ساخته‌اند و در طول حیات اجتماعی خود، به آن امکانات، ساختارها و ابزارها تکیه کرده‌اند و در رسیدن به اهداف خود همواره از آن روابط و امکانات استفاده نموده‌اند؛ مانند تمدن غرب که تمدن کام‌جویی مادی و دنیاپرستی است» (مهدی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

رویکرد تمدنی (The Civilization Approach): بر اساس دیدگاه تمدن اسلامی، رویکرد تمدنی، درحقیقت اشاره به نظریه‌پردازی (Theorizing) و معرفت‌سازی (Epistemology) دارد. مراد از رویکرد تمدنی، نگرش به نظام مردم‌سالاری دینی (The system of religious democracy)، در سطحی کلان است که سعی می‌کند جایگاه چنین نظامی را در روند تکاملی و مسیر پیشرفت کشور مشاهده نماید (نجفی؛ یوسفی، ۱۳۹۷). نجفی و یوسفی، رویکرد تمدنی را نگرشی جامع و فراگیر و دارای افق‌های بلند دانسته و اشاره می‌کنند: برجستگی رویکرد تمدنی از آن روست که نگرشی جامع و فراگیر بوده، اهداف کلان و افق‌های بلند را مدنظر دارد و در عین حال به واقعیت‌ها و امور جزئی نیز نظر دارد. لذا با این رویکرد می‌توان کارآمدی اندیشه‌ها را در گستره‌ای کلان سنجید و اولویت‌ها را تعیین کرد و برای نهادینه کردن آن‌ها اقدام نمود.

تمدن نوین اسلامی (Modern Islamic Civilization): تمدن نوین اسلامی، احیای عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی است که می‌تواند نویدبخش ایجاد تمدنی نمونه باشد. این تمدن، ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها، بُعد معنوی و روحی آن‌ها را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند. این ساختار مطلوب که ریشه در برنامه‌های انسان‌ساز اسلامی دارد، نه تنها بعد مادی و سخت‌افزاری تمدن را نفی نمی‌کند، بلکه به آن جهت هم می‌دهد (کشاورز

شکری؛ رحیمیان؛ رهنما، ۱۳۹۴). مفهوم تمدن نوین اسلامی، در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز دیده می‌شود. آینده‌ی دور، ایجاد تمدن اسلامی است؛ تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیت‌های امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرن‌های اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسل‌های جوان آن، دچار یأس و نومیدی و افسردگی‌اند. اسلام می‌تواند این نسل‌ها را به آفاق جدیدی برساند، دل‌های آن‌ها را شاد کند و آن‌ها را آن‌چنان‌که متناسب و شایسته‌ی کرامت انسان است، کرامت ببخشد؛ تمدن نوین اسلامی یعنی این (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳). مقام معظم رهبری فرآیند نیل به تمدن نوین اسلامی را شامل پنج گام اساسی می‌داند که عبارت است از: پیروزی انقلاب اسلامی، تأسیس نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، ایجاد کشور و جامعه اسلامی (امت اسلامی) و نهایتاً تمدن نوین اسلامی.

تمدن‌سازی اسلامی (Islamic Civilization): از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تمدن‌سازی اسلامی یعنی پیشرفت همه‌جانبه (All-round progress) در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و فناورانه، با تأکید بر عنصر حرکت و تعالی که شامل تمام ابعاد مادی و معنوی انسان‌ها می‌گردد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱). نتیجه تمدن‌سازی اسلامی باید موجب ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی شود که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۴۳). لذا بر اساس آنچه مطرح شد، تمدن‌سازی اسلامی شرایطی را در یک جامعه اسلامی ایجاد می‌کند که علاوه بر ساختار ظاهری و عینی یک حکومت و دولت اسلامی، به جنبه‌های باطنی، ذهنی و معنوی جامعه نیز توجه کرده، و معتقد است تمدن نوین اسلامی در هم‌چنین جامعه‌ای بروز کرده و شکل می‌گیرد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، اکنون ما در مرحله سوم (تشکیل دولت اسلامی) از مراحل تحقق کامل انقلاب اسلامی، در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی قرار داریم. با

توجه به این‌که، در این پژوهش قصد داریم ابتدا شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، با محوریت بیانات مقام معظم رهبری را استخراج کرده، سپس نقش و تأثیر شاخص‌ها و مؤلفه‌های استخراج‌شده در دولت اسلامی را برای شکل‌گیری و ایجاد مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی به‌کار گیریم؛ نمودار چارچوب نظری تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:



شکل (۱). چارچوب نظری تحقیق

۴. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به موضوع، پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی می‌باشد. در این پژوهش، از روش بررسی اسناد و مدارک و مراجعه به کتابخانه و اینترنت استفاده شده است. در پژوهش‌های این‌چنینی معمولاً از تجزیه و تحلیل آماری استفاده نمی‌شود. روش تحقیق در این پژوهش، استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تم (موضوع و مضمون) می‌باشد. تحلیل محتوا را مرحله‌ای از فرآیند اطلاعاتی دانسته‌اند که به‌وسیله آن، محتوای ارتباطات با استفاده از به‌کارگیری مجموعه‌ای از قوانین طبقه‌بندی شده و نظام‌دار، تغییر و تبدیل می‌یابد و به‌صورت داده‌های خلاصه‌شده و قابل مقایسه درمی‌آید. به‌رحال، همان‌طور که از نام تحلیل محتوا برمی‌آید، این فن در جستجوی دریافت جنبه‌های ادراکی و احساسی پیام‌ها و یا ادراکات ضمنی قابل استخراج از بیانات است. عنصر مشترک در تمام تکنیک‌های مختلف، از شمارش فراوانی گرفته تا استخراج ساختارهای منتج به

مدل‌ها، یک تعبیر و تفسیر کنترل‌شده بر مبنای استنتاج و استنباط است (دانایی فرد و همکاران، ص ۲۵۰). درک درست تحلیل محتوا نیز مستلزم فهم معنای مفاهیم کلیدی، به صورت عینی و منظم و درک محتوای آشکار است (دلاور، ۱۳۸۹، ص ۲۷۹). واحد تحلیل مضمون (تم)، یعنی اظهاری واحد درباره‌ی چیزی؛ این واحد تحلیل، در پژوهش‌های مربوط به تبلیغات، ارزش‌ها، اعتقادات و نظایر آن مفید است.

در این پژوهش برای کسب شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری طی چندین سال، از طریق جستارهای موجود در سایت رسمی ایشان، مطالعه و بررسی شد. در این خصوص تا جایی بررسی را ادامه دادیم که به اشباع نظری بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در ارتباط با شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی دست پیدا کردیم. مطلب مورد توجه دیگر در این تحقیق، مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی بود که برای به‌دست‌آوردن آن، از شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی استفاده کرده، و نقش و تأثیر شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی استخراج‌شده را در شکل‌گیری و ایجاد مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی به‌کار گرفتیم. البته در این خصوص، برای کسب مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی، از میان شاخص‌ها و مؤلفه‌های متعدد دولت اسلامی از نقطه‌نظر مقام معظم رهبری، شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی استفاده گردید که با ویژگی‌ها و مؤلفه‌های حوزه‌ی تدوین خط‌مشی عمومی هماهنگی داشته باشد. لذا، برای رسیدن به این هدف از اسناد و گزارش‌های بین‌المللی و کتب و مقالات داخلی و خارجی نیز بهره بردیم تا شاخص‌های بدست‌آمده منطقی و صحیح بوده، و در حوزه‌ی تدوین و بالطبع اجرای خط‌مشی‌های عمومی کارگشا باشد. در نهایت هم با توجه به شاخص‌ها و مؤلفه‌های استخراج‌شده در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری و نقش و تأثیر این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها در شکل‌گیری مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی و پیوندی که این شاخص‌ها و مؤلفه‌ها با یکدیگر و با مفهوم تمدن‌سازی نوین اسلامی دارند، و نیز بر اساس یافته‌های تحقیقات

قبله، مدلی توسعه داده و ترسیم گردید.

۵. یافته‌های پژوهش

۱-۵. شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی از

منظر مقام معظم رهبری

در پژوهش حاضر، با مطالعه‌ی اسناد و مدارک و بررسی فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) از طریق جستارهای موجود از سایت معظم‌له، شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی استخراج گردید. در این خصوص، با روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از واحد تحلیل مضمون (تم)، ابتدا کلیدواژه‌های مربوط به موضوع تحقیق را در سایت معظم‌له بررسی نمودیم؛ و مجموعه‌ی بیاناتی که مربوط به موضوع پژوهش حاضر بود بررسی گردید.

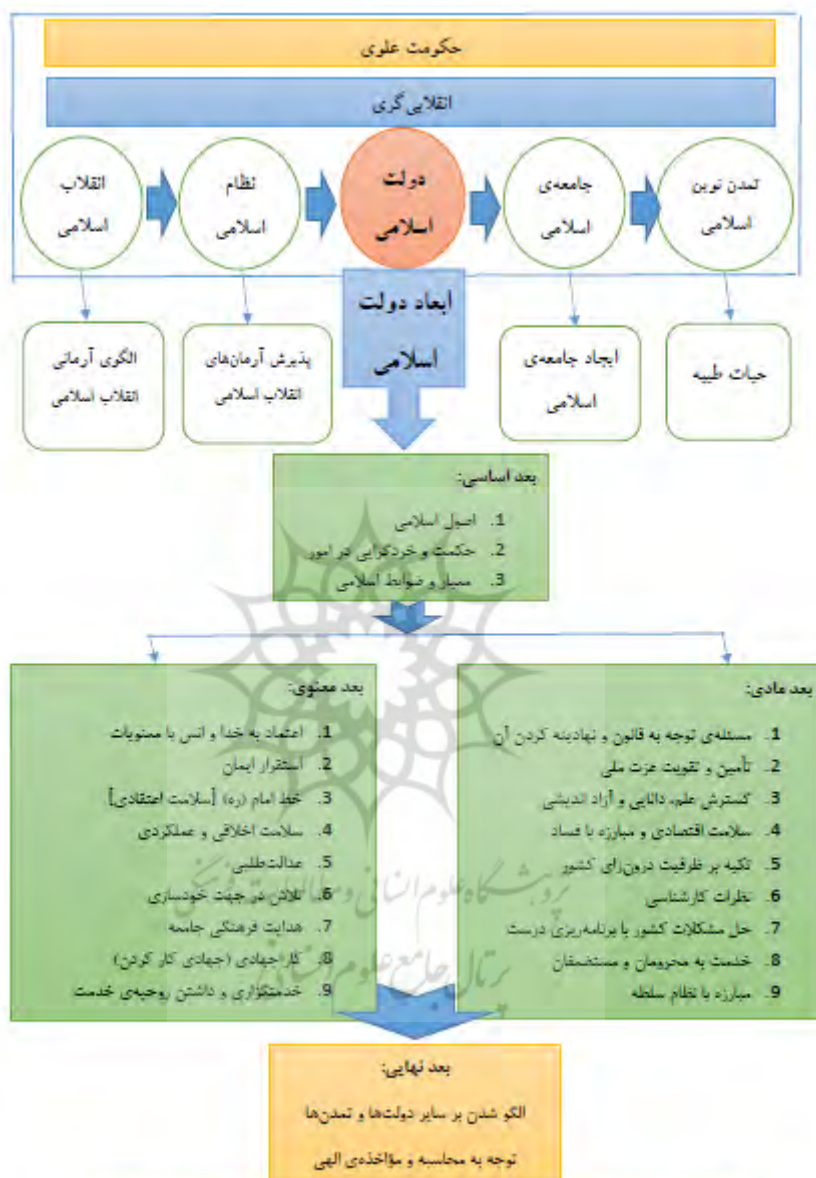
در گام نخست از تحلیل محتوای کیفی، مجموعاً ۱۶۸ شاخص استخراج و کدگذاری گردید. این بررسی تا جایی ادامه یافت تا نهایتاً اشباع نظری حاصل گردید. در حقیقت، پژوهش را تا جایی پیش بردیم که شاخص‌های استخراج شده از بیانات مقام معظم رهبری تکراری گردیده و اشباع نظری و عملی حاصل گردید.

در گام دوم روش تحلیل محتوای کیفی، برای استخراج مؤلفه‌های دولت اسلامی، شاخص‌های استخراج شده را مجدداً بررسی و دسته‌بندی کرده، و شاخص‌هایی که دارای مفاهیم یکسان و همسو بودند را در یک گروه و دسته قرار دادیم؛ لذا، ۱۶۸ شاخص استخراج و کدگذاری شده در گام اول پژوهش، در ۲۳ مقوله و مؤلفه به قرار ذیل قرار گرفته و کدگذاری گردیدند: «اصول اسلامی، حکمت و خردگرایی در امور، معیار و ضوابط اسلامی، مسئله‌ی توجه به قانون و نهادینه کردن آن، تأمین و تقویت عزت ملی، گسترش علم و دانایی و آزاد اندیشی، سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد، تکیه بر ظرفیت درون‌زای کشور، نظرات کارشناسی، حل مشکلات کشور با برنامه‌ریزی درست، خدمت به محرومان و مستضعفان، مبارزه با نظام سلطه، اعتماد به خدا و انس با معنویات، استقرار ایمان، خط امام (ره) [سلامت اعتقادی]، سلامت اخلاقی و عملکردی، عدالت‌طلبی، تلاش در جهت

خودسازی، هدایت فرهنگی جامعه، کار جهادی (جهادی کار کردن)، خدمت‌گزاری و داشتن روحیه‌ی خدمت، تبدیل شدن دولت اسلامی به الگوی سایر دولت‌ها و تمدن‌ها، توجه به محاسبه و مؤاخذه‌ی الهی».

و نهایتاً در گام سوم، مؤلفه‌های استخراج شده همسان‌سازی گردیده و آن‌ها را به ابعاد چهارگانه: اساسی، مادی، معنوی و نهایی تقسیم‌بندی و کدگذاری نمودیم. پس از این فرآیند و با اتمام بررسی بیانات مقام معظم رهبری از جستارهای مربوط به شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی از سایت رسمی معظم‌له، مؤلفه‌های دولت اسلامی به شرح نمودار ذیل استخراج گردید:





شکل (۲). ابعاد و مؤلفه‌های دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) - (مدل محققان)

تحلیل و تفسیر

شکل فوق از بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، در ارتباط با شاخص‌ها و ویژگی‌های دولت اسلامی استخراج شده است. گستردگی مؤلفه‌ی حکومت علوی و انقلابی‌گری در طول فرآیند تمدن نوین اسلامی، از گام انقلاب اسلامی تا تمدن نوین اسلامی امتداد خواهد داشت. گام اول، با مؤلفه الگوی آرمانی انقلاب اسلامی آغاز، و با پذیرش آرمان‌های انقلاب اسلامی، گام دوم (نظام اسلامی) محقق می‌گردد. در گام سوم بایستی ابعاد، ویژگی‌ها و شاخص‌های دولت اسلامی برقرار شود تا با "ایجاد جامعه‌ی اسلامی" در گام چهارم، "حیات طیبه" در گام نهایی محقق گردد. در حقیقت، حیات طیبه یعنی آن چیزی که قرآن می‌فرماید: "فلنحیینه حیاة طیبه". این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴). بر اساس استنباط، تجزیه و تحلیل و تفسیر فرمایشات رهبری، ابعاد دولت اسلامی در چهار بعد: اساسی، مادی، معنوی و نهایی تقسیم‌بندی می‌شوند. بعد اساسی (اصول اسلامی، حکمت و خردگرایی در امور، معیار و ضوابط اسلامی) می‌باشند. در حقیقت اساس تشکیل دولت اسلامی بر اساس اصول، معیارها و ضوابط اسلامی می‌باشد؛ و در این میان نقش حکمت، عقلانیت و خردگرایی در تحقق ابعاد مادی و معنوی بسیار اهمیت دارد. ابعاد مادی و معنوی دولت اسلامی نیز بر اساس شاخصه‌ی حیات طیبه در نظر گرفته شد. از آنجائی‌که، دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می‌آورد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴)، و با تشکیل کشور اسلامی (جامعه و امت اسلامی)، یک ملت به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی، یعنی حیات طیبه گام بر می‌دارد. لذا مؤلفه‌های بعد مادی عبارت است از: مسئله‌ی توجه به قانون و نهادینه کردن آن، تأمین و تقویت عزت ملی، گسترش علم، دانایی و آزاد اندیشی، سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد، تکیه بر ظرفیت درون‌زای کشور، نظرات کارشناسی، حل مشکلات کشور با برنامه‌ریزی درست، خدمت به محرومان و مستضعفان و مبارزه با نظام سلطه؛ و مؤلفه‌های بعد معنوی: اعتماد به خدا و انس با معنویات، استقرار ایمان، خط امام (ره) [سلامت اعتقادی]، سلامت اخلاقی و عملکردی، عدالت‌طلبی، تلاش در جهت خودسازی،

هدایت فرهنگی جامعه، کار جهادی (جهادی کار کردن) و خدمت‌گزاری و داشتن روحیه‌ی خدمت می‌باشند.

گرچه، ذکر این نکته ضروری است که ابعاد مادی و معنوی در بسیاری از جهات در هم تنیده، و در طول یکدیگر قرار دارند. چرا که هدف اسلام، هم سعادت دنیوی و هم سعادت اُخروی می‌باشد که این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند. ولی برای تفهیم بهتر مؤلفه‌ها، این دسته‌بندی در این پژوهش انجام گرفته است.

نهایتاً در صورت تحقق ابعاد مادی و معنوی، بعد نهایی به‌وقوع خواهد پیوست: ۱. تبدیل شدن دولت اسلامی به الگوی سایر دولت‌ها و تمدن‌ها؛ ۲. توجه به محاسبه و مؤاخذه‌ی الهی، راهی برای تحقق ابعاد مادی، معنوی و هم‌چنین، وسیله‌ای برای تحقق الگو بودن برای سایر دولت‌ها می‌باشد.

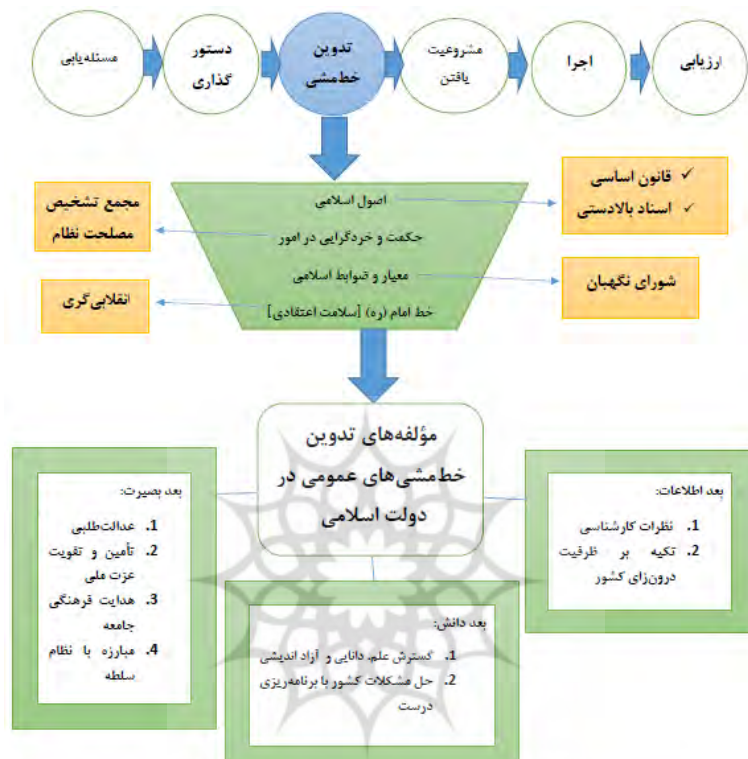
۲-۵. نقش و تأثیر مؤلفه‌های دولت اسلامی در شکل‌گیری و ایجاد مؤلفه‌های تدوین

خط‌مشی‌های عمومی

پس از استخراج مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، بر اساس اهداف تعیین شده پژوهش، به‌دنبال نقش و تأثیر مؤلفه‌های دولت اسلامی در شکل‌گیری و ایجاد مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی هستیم. در حقیقت، اهمیت قوانین و مقررات (خط‌مشی‌های عمومی) در جامعه اسلامی بسیار بالاست؛ از نظر مقام معظم رهبری، قانون ریل است و خارج شدن از آن جامعه را آسیب خواهد زد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲). آرمان تحقق دولت اسلامی و گام نهادن در جامعه‌ی اسلامی به عنوان یک هدف راهبردی و ایده‌آل، به‌واسطه‌ی تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی ایده‌آل میسر خواهد شد. برای این منظور، به‌دنبال استخراج مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی از شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی آرمانی و ایده‌آل هستیم. آن دولت اسلامی که، اگر ظهور پیدا کند شرایط برای عبور از گام سوم انقلاب اسلامی (دولت اسلامی)، و ورود به گام چهارم (کشور اسلامی) هموار خواهد شد. شکل‌گیری و ایجاد مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، بایستی آن شکل ایده‌آل،

آرمانی و راهبردی را داشته باشد که اولاً، برگرفته از شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی ایده‌آل باشد و ثانیاً، برای اجرای ایده‌آل آن، بایستی همه اشخاص در دولت و جامعه‌ی اسلامی همت نمایند تا نهایتاً شرایط را برای ورود به گام چهارم انقلاب (کشور و جامعه‌ی اسلامی) مهیا نمایند. در ارتباط با چگونگی تدوین خط‌مشی یا مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی، دیدگاه‌های مختلفی مطرح می‌باشد. کوتز (Coates)، معتقد است گام‌هایی (مؤلفه‌هایی) جهت تدوین خط‌مشی عمومی نیاز است که ترتیب خاصی نیز ندارد؛ این موارد عبارت‌اند از: توصیف سیستمی که باید مورد مطالعه قرار گیرد، تعریف عناصر کلیدی سیستم، ایجاد نمودار سیستم، شناسایی بازیگران کلیدی و همه‌ی ذینفعان، شناسایی نیروهای محرکه، شناسایی روندها در نیروهای محرکه، کشف توانایی‌های بالقوه‌ی ایجاد تغییر، ارائه‌ی تصاویر گزینه‌های آینده، تعریف آینده‌ی مطلوب، استخراج توصیه‌ها و مفاهیم خط‌مشی و شناسایی خط‌مشی‌ها، اقدامات و برنامه‌ها (Coates, 2010, p1431). هابگر (Habegger)، سه بعد اطلاعات، دانش و بصیرت (Information, knowledge and insight) را جهت اقدام به تدوین خط‌مشی‌های عمومی مناسب می‌داند (Habegger, 2010, p51). در این پژوهش، از برخی شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی که مقام معظم رهبری در ارتباط با تشکیل دولت اسلامی فرموده‌اند، جهت طراحی مدل استفاده شده است. ما از مؤلفه‌هایی که نقش و تأثیر مناسب در تدوین خط‌مشی‌های عمومی داشته‌اند در مدل خود بهره برده‌ایم. در حقیقت، اگر لازمه‌ی تحقق دولت اسلامی را اجرای قوانین و خط‌مشی‌هایی بدانیم که بایستی به‌طور منطقی و عاقلانه در فرآیند تدوین خط‌مشی‌ها طراحی شده باشند، می‌توان این‌گونه استنباط نمود که مفاهیم و مؤلفه‌های حوزه تدوین خط‌مشی‌های عمومی، و هم‌چنین حوزه اجرای خط‌مشی‌های عمومی تا تحقق دولت اسلامی و ایجاد شرایط مناسب برای ورود به جامعه‌ی اسلامی، باید با هم تعامل و هم‌بستگی داشته باشند. در ضمن مدل ارائه‌شده، از مدل مطرح شده "هابگر" که دارای ابعاد سه گانه اطلاعات، دانش و بصیرت در تدوین خط‌مشی‌های عمومی می‌باشد، الگو

گرفته است. لذا، مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی، با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی به صورت ذیل می‌باشد:



شکل (۳). مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) - (مدل محققان)

تحلیل و تفسیر

مقام معظم رهبری به‌طور ویژه به ابعاد و مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی اشاره نکرده‌اند؛ ولی با توجه به ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی که مکرراً در ارتباط با تشکیل دولت اسلامی، به‌عنوان گام سوم انقلاب اسلامی مطرح فرموده‌اند، قاعدتاً نقشه راهی را پیش روی خط‌مشی‌گذاران و کارشناسان امور قرار داده‌اند، تا با توجه به آن شاخص‌ها و مفاهیم، و طراحی راهبرد و مسیر راه، بتوانند شرایط تحقق و تشکیل دولت اسلامی و ورود به جامعه‌ی اسلامی را هموار نمایند. در مدل حاصل از پژوهش، چرخه‌ی خط‌مشی‌گذاری

عمومی عبارت است از: مسئله‌یابی، دستورگذاری، تدوین خط‌مشی، مشروعیت یافتن، اجرا و ارزیابی (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۱). ابعاد و مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در مدل فوق، از ترکیب "شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی" و ابعاد مطرح شده در مدل "هابگر" الگو گرفته است. در حقیقت، شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری در چهار بعد اساسی، مادی، معنوی و نهایی می‌باشد که بیش از این جزء یافته‌های پژوهش حاضر مطرح شده بود؛ و هم‌چنین، ابعاد اطلاعات، دانش و بصیرت به‌عنوان سه بعد تدوین خط‌مشی‌های عمومی در مدل "هابگر" نیز اشاره گردید. لذا می‌توان این‌گونه مطرح کرد که، مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در این مدل، بر پایه و اساس اصول اسلامی و قانون اساسی می‌باشد؛ و تمامی قوانین، مقررات و خط‌مشی‌ها نایستی با اصول اسلامی و قانون اساسی مغایرتی داشته باشند. در ضمن پس از تدوین و تصویب قوانین عادی و خط‌مشی‌های عمومی توسط مجلس شورای اسلامی، بایستی این قوانین به تأیید شورای نگهبان برسند تا منافاتی با معیارها و ضوابط اسلامی نداشته باشند و در صورت اختلاف نظر میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، با عقلانیت (حکمت و خردگرایی در امور) و بر اساس مصلحت نظام، اقدام به برطرف نمودن اختلاف نظر میان قوه‌ی مقننه و شورای نگهبان کرده، و به رد و یا قبول قانون و خط‌مشی می‌پردازد. بر اساس مدل هابگر، ابعاد تدوین خط‌مشی‌های عمومی در مدل این پژوهش، دارای سه بعد اطلاعات، دانش و بصیرت می‌باشد. بعد اطلاعات یعنی، کسب و تحلیل اطلاعات اولیه و شناسایی و پایش موضوعات؛ بعد دانش یعنی، خلق دانش آینده‌نگری و ارزیابی و فهم چالش‌های خط‌مشی؛ و بعد بصیرت به معنی، توسعه‌ی گزینه‌های خط‌مشی و شناسایی آینده‌های مطلوب می‌باشد (شریف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸). لذا بر اساس ابعاد فوق، مؤلفه‌های بعد اطلاعات: نظرات کارشناسی و تکیه بر ظرفیت درون‌زای کشور؛ مؤلفه‌های بعد دانش: گسترش علم، دانایی و آزاد اندیشی و حل مشکلات کشور با برنامه‌ریزی درست؛ و مؤلفه‌های بعد بصیرت: عدالت‌طلبی، تأمین و تقویت عزت ملی، هدایت فرهنگی

جامعه و مبارزه با نظام سلطه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش بر اساس گام‌های پنج‌گانه تحقق تمدن نوین اسلامی و الگویی که مقام معظم رهبری ارائه فرموده‌اند انجام پذیرفت. می‌دانیم در حال حاضر، طبق فرمایش آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) در گام سوم (تشکیل دولت اسلامی) قرار داریم. بی‌شک یکی از مسائل مهم در تحقق این گام و پا نهادن به گام چهارم (جامعه‌ی اسلامی)، تدوین خط‌مشی‌های عمومی مناسب می‌باشد. در حقیقت، وجود قوانین، مقررات و خط‌مشی‌های عمومی مناسب، منطقی و هوشمندانه در دولت اسلامی، و اجرای آن‌ها در سطح دولت‌مردان و مسئولین دولت اسلامی و هم‌چنین مردم جامعه‌ی اسلامی، نهایتاً گام اساسی برای تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد بود. این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی و با بررسی اسناد و مدارک و از طریق جستارهای مربوط به موضوع پژوهش، از سایت رسمی مقام معظم رهبری انجام گرفت. بر اساس اهداف کلی و جزئی پژوهش، ما در پی دسترسی به سؤالات اساسی و فرعی پژوهش بودیم. یافته‌های این پژوهش به قرار ذیل می‌باشند:

- با بررسی بیانات مقام معظم رهبری، ابعاد و مؤلفه‌های دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی استخراج گردیده و مدلی طراحی شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه‌های (حکومت علوی و انقلابی‌گری) بایستی در تمامی گام‌های تحقق تمدن نوین اسلامی وجود داشته، و به‌عنوان یک الگوی نظری و عملی برای دولت‌مردان، مسئولین و مردم مدنظر قرار بگیرد. دولت اسلامی دارای چهار بعد می‌باشد که هر بعدی دارای مقوله‌ها و مؤلفه‌هایی، برگرفته از شاخص‌ها و مفاهیم دولت اسلامی، از نقطه‌نظر مقام معظم رهبری می‌باشد. این ابعاد و مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: مؤلفه‌های بعد اساسی (اصول اسلامی، حکمت و خردگرایی در امور، معیار و ضوابط اسلامی)؛ مؤلفه‌های بعد مادی (مسئله‌ی توجه به قانون و نهادینه کردن آن، تأمین و تقویت عزت ملی، گسترش علم، دانایی و آزاد اندیشی، سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد، تکیه بر ظرفیت درون‌زای کشور،

نظرات کارشناسی، حل مشکلات کشور با برنامه‌ریزی درست، خدمت به محرومان و مستضعفان و مبارزه با نظام سلطه؛ مؤلفه‌های بعد معنوی (اعتماد به خدا و انس با معنویات، استقرار ایمان، خط امام (ره) [سلامت اعتقادی]، سلامت اخلاقی و عملکردی، عدالت‌طلبی، تلاش در جهت خودسازی، هدایت فرهنگی جامعه، کار جهادی (جهادی کار کردن) و خدمت‌گزاری و داشتن روحیه‌ی خدمت) و نهایتاً در صورت تحقق ابعاد مادی و معنوی، بعد نهایی با مؤلفه‌های (تبدیل شدن دولت اسلامی به الگوی سایر دولت‌ها و تمدن‌ها، و توجه به محاسبه و مؤاخذه‌ی الهی) به‌وقوع خواهد پیوست.

- پس از استخراج ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های دولت اسلامی از منظر مقام معظم رهبری با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، نقش و تأثیر مؤلفه‌های دولت اسلامی در شکل‌گیری و ایجاد مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی بررسی، و مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی استخراج و مدلی طراحی شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی بایستی منافات و مغایرتی با اصول اسلامی (قانون اساسی و اسناد بالادستی) نداشته باشد؛ و شاخص خط امام (ره) [سلامت اعتقادی] و انقلابی‌گری را همیشه مدنظر داشته باشد. در ضمن قوانین و خط‌مشی‌های عمومی تصویب شده توسط مجلس شورای اسلامی از نظر معیار و ضوابط اسلامی به تأیید شورای نگهبان رسیده، و در صورت اختلاف نظر مجلس و شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، بر اساس حکمت و خردگرایی در امور و مصالح نظام، اختلاف مجلس و شورای نگهبان را حل کرده، و اقدام به تأیید یا رد آن قانون و خط‌مشی عمومی می‌نماید. مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی بر اساس دیدگاه "هابگر" در سه بُعد (اطلاعات، دانش و بصیرت)، و الگو گرفته از مؤلفه‌های دولت اسلامی بوده، که عبارت است از: مؤلفه‌های بُعد اطلاعات (نظرات کارشناسی و تکیه بر ظرفیت درون‌زای کشور)؛ مؤلفه‌های بُعد دانش (گسترش

علم، دانایی و آزاد اندیشی و حل مشکلات کشور با برنامه‌ریزی درست؛ و مؤلفه‌های بُعد بصیرت (عدالت‌طلبی، تأمین و تقویت عزت ملی، هدایت فرهنگی جامعه و مبارزه با نظام سلطه) می‌باشد.

- در پایان به ارزیابی و توصیف مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی پرداخته، و دلیل قرارگرفتن هر مؤلفه در ابعاد مدل به‌دست آمده در پژوهش را شرح دادیم.

نتیجه‌گیری کلی آن اشاره می‌کند به این‌که، خط‌مشی‌های عمومی بایستی طوری تدوین شود که در آن به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، منافع و مصلحت عامه مردم، عوامل تعیین‌کننده حد و مرزها، انعطاف و آینده‌نگری، اخلاق‌مداری، شفافیت و روشنی، قابلیت انطباق، قابل فهم بودن و حل مسائل و مشکلات عموم مردم توجه گردد، تا با گذر از دولت اسلامی و تحقق جامعه اسلامی، زمینه ایجاد تمدن نوین اسلامی محقق گردد.

در عین حال، الزامات مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی‌های عمومی که در این پژوهش احصاء شده، می‌تواند در تحقیقات جداگانه مورد فحص و بررسی محققان قرار گیرد. زیرا، گستردگی حوزه تدوین خط‌مشی‌های عمومی بسیار وسیع است؛ لذا پیشنهاد می‌شود نقش و تأثیر سایر عوامل را نیز در آن لحاظ کرده، و پس از مشخص شدن مؤلفه‌های آن، مدل به‌دست آمده در این پژوهش را برازش، و با نظر نخبگان و اندیشمندان در حوزه خط‌مشی‌گذاری و تاریخ و تمدن، نهایتاً الگوی جامع تدوین خط‌مشی‌های عمومی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی طراحی شود. هم‌چنین، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی برای به‌دست آوردن مؤلفه‌های اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی در دولت اسلامی با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی نیز صورت بگیرد، تا مؤلفه‌های فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی و مدل جامع آن، که شرایط عملی و کاربردی داشته باشد، احصاء گردد.

کتابنامه

آوتویت، ویلیام و باتامور، تام (۱۳۹۲)، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.

آینه‌وند، صادق (۱۳۹۵)، اندیشمند مصلح مالک بن نبی، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

اصغری، حفیظ‌الله (۱۳۹۶)، مؤلفه‌های تدوین خط‌مشی از سنت علوی (ع)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه.

الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۳)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی (ویراست دوم)، چاپ نوزدهم، تهران: نشر سمت.

الوانی، سیدمهدی؛ پورعزت، علی‌اصغر و نجابت، انسیه، (۱۳۹۴)، بررسی دلایل اثربخش نبودن عملکرد سیستم خط‌مشی‌گذاری ایران در زمینه فقرزدایی (مطالعه موردی: لایحه «فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران»)، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه، مدیریت دولتی، دوره ۷، (شماره ۱): صص ۱-۱۸.

الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۲)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

امامی، سیدمجتبی (۱۳۹۵)، تبیین مؤلفه‌های ظرفیت خط‌مشی‌های انقلاب اسلامی در لایه‌های تمدنی بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری، دومین همایش ملی تمدن اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.

بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، آموزش دانش سیاسی، چاپ هشتم، تهران: نشر نگاه معاصر.
بورلو، ژوزف (۱۳۸۶)، تمدن اسلامی، ترجمه‌ی اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، جامعه در قرآن، قم: مرکز بین‌المللی نشر اسراء.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، *ولایت فقیه ولایت فقاهت و عدالت*، قم: مرکز بین‌المللی نشر اسراء.
- چیت‌سازان، علیرضا و آرام، محمدرضا (۱۳۹۵)، *بازخوانی الگوی نهادی «تکافل اجتماعی»* در اداره امور عمومی در گستره تمدن نوین اسلامی، دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸)، *روش‌شناسی تدوین خط‌مشی ملی کارآفرینی کشور: چارچوبی مفهومی، توسعه کارآفرینی، سال دوم، (شماره ۶): صص ۱۲۵-۱۵۵.*
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۴)، *زمینه فرهنگ‌شناسی: تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی*، تهران: نشر عطار.
- شریف‌زاده، فتاح؛ سیدنقوی، میرعلی؛ واعظی، رضا و نقوی حسنی، سیدعلیرضا، (۱۳۹۸)، *ارائه‌ی الگوی الزامات خط‌مشی‌گذاری آینده‌محور برای صنعت نفت ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، (شماره ۳): صص ۴۵-۶۱.*
- شریف‌زاده، فتاح و معدنی، جواد (۱۳۹۶)، *مفاهیم اساسی و پیشرفته دانش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران: انتشارات قلم همت.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۷)، *بنیادهای علم سیاست*، چاپ هجدهم، تهران: نشر نی.
- عمید، حسن (۱۳۹۰)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: نشر امیرکبیر.
- غلامی، رضا (۱۳۹۶)، *فلسفه تمدن نوین اسلامی*، تهران: نشر سوره مهر.
- فیرحی، داود (۱۳۹۲)، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، چاپ دهم، تهران: نشر سمت.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۹۲)، *تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی*، چاپ چهارم، تهران: نشر سمت.
- قلی‌پور، رحمت‌الله؛ عباسی، طیبه؛ هادی و مهدی (۱۳۹۷)، *شناسایی عوامل تسهیل‌کننده شواهد محور کردن فرایند خط‌مشی‌گذاری در حوزه علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، (شماره ۲۶)، صص ۶۵-۸۴.*

قنبردوست، مجتبی (۱۳۹۶)، واکاوی نظریه‌های دولت‌سازی در تمدن‌های غربی و اسلامی، سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.

کشاوری شگری، عباس؛ رحیمیان، محمد؛ و رهنما، مهدی (۱۳۹۵)، بررسی موانع تحقق تمدن‌سازی نوین اسلامی و ارائه راهکارهای کاربردی، دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.

لوکاس، هنری استیون (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، ترجمه‌ی عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات کیهان.

محمدی مزرعی، خدیجه و نادری، مهدی (۱۳۹۵)، بایسته‌های دولت اسلامی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی بر اساس آراء و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.

مرکز مطالعات راهبردی ناجا (۱۳۹۵)، نظم و امنیت در رویکرد تمدنی با تأکید بر تمدن نوین اسلامی، تهران: مرکز مطالعات راهبردی ناجا.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷)، حقوق و سیاست در قرآن، قم: مرکز بین‌المللی نشر اسراء. معین، محمد (۱۳۹۰)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مومن کاشانی، نوشین (۱۳۹۷)، تدوین مدل تمایل خط‌مشی‌گذاران به اقتباس خط‌مشی دولت باز در ایران مبتنی بر چارچوب اشاعه خط‌مشی، رساله دکترای مدیریت دولتی، مؤسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

مهدی‌زاده، حسین (۱۳۹۴)، بینش تمدنی، منظومه‌ی اعتقادات اجتماعی، تقریری از کلام اجتماعی حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد مهدی میرباقری، چاپ سوم، قم: نشر کتاب فردا.

نجفی، موسی (۱۳۹۳)، نظریه تمدن جدید اسلامی، فلسفه‌ی تکامل تمدن اسلامی و جوهر افول یابنده‌ی تمدن غرب، چاپ سوم، اصفهان: نشر آرما.

نجفی، موسی و یوسفی، بتول (۱۳۹۷)، نسبت نظام مردم‌سالاری دینی با تمدن غرب (تمدن موجود) و تمدن مهدوی (تمدن موعود)، *جستارهای سیاسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، (شماره اول): صص ۱-۱۹.

نوری، عباس (۱۳۹۶)، دولت اسلامی؛ شاخص‌ها و موانع تحقق آن در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.

هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۴)، *نظریه برخورد تمدن‌ها*، ترجمه‌ی مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

Birkland, T. (2001), Scientists and Coastal Hazards: Opportunities for Participation and Policy Change. *Environmental Geosciences*, Vol. 8, N. 1, pp. 61-67.

Bloomberg, L. D., & Volpe, M. (2012), "Completing your qualitative dissertation: A roadmap from beginning to end".

Coates, J. F. (2010), "The future of foresight—A US perspective", *Technological Forecasting & Social Change*, 77, 1428–1437.

Dye, T. (2002), *Understanding Public Policy*. New Jersey: Prentice Hall.

Flick, U. (2014). *An introduction to qualitative research*.

Habegger, B. (2010), "Strategic foresight in public policy: Reviewing the experiences of the UK, Singapore, and the Netherlands", *Futures*, 42, 49–58.

Miles, B., Huberman, A., & Saldaña, J. (2014). *Qualitative data analysis: A methods sourcebook* (Third edition). Thousand Oaks, California.

Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research and evaluation methods: Integrating theory and practice* (4th Edition).

وبسایت

پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت‌الله‌العظمی سبحانی (۱۳۹۰)، «ضرورت تشکیل حکومت»،

www.tohid.ir

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، مجموعه‌ی بیانات مقام معظم

رهبری، «تمدن نوین اسلامی»، www.khamenei.ir

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۹۲)، «ولایت فقیه»، [\[Khomeini.ir\]\(http://Khomeini.ir\)](http://www.imam-</p></div><div data-bbox=)

